

آشتی یهود و نصاری و جنگ مسلمانان



« وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِرَحْمَتِهِ إِخْوَانًا... صدق الله العلي العظيم. »

در جهان، انسانی پیدا نمی شود که وحدت و یگانگی را نستاید، و یا از تفرقه و دودستگی نکوهش ننماید. زیرا مسأله «توحید کلمه» به صورت یک قضیه بدیهی درآمده و جهان به سوی آن گام بر می دارد. حتی کشورهایی که از نظر شیوه حکومت و ایدئولوژی اختلاف زیادی با هم دارند، در مصالح جمعی باهم متحد می شوند. کشورهای اروپایی پس از قرنهای اختلاف دو دستگی، سرانجام به وحدت رو آورده و به تدریج به سوی اقتصاد و سیاست واحد و پول واحد پیش می روند.

روزگاری که جهان به صورت دو قطبی اداره می شد، و اردوگاه «کمونیسم شرق» با اردوگاه «امپریالیسم

غرب»، در تضاد و کشمکش بودند و هر یک برای خود عقیده و خط مشی سیاسی و اقتصاد خاصی داشتند. ولی در مواضع خاص که منافع هر دو اقتضا می کرد، دست یکدیگر را به عنوان یک متحد می فشردند.

در روزگاری زندگی می کنیم که دو ملت متخاصم مانند مسیحیان و یهودیان که قریب بیست قرن با هم در جنگ و نزاع بودند و پیوسته اولی، دومی را به صلیب مسیح متهم می کرد، رو به آشتی آورده و دست دوستی به هم داده اند تا آنجا که پاپ، یهود را از این تهمت ریشه دار، تبرئه کرد.

به تعبیر برخی از بزرگان، «شرق و غرب» تیغه های یک قیچی هستند و برای قطع یک ریشه که به زیان نشان هست، با هم حرکت می کنند، آنگاه از هم فاصله می گیرند.

ما در شرایطی زندگی می کنیم که نخستین قبله مسلمانان و نخستین نقطه معراج رسول گرامی اسلام(ص) به جهان بالا، در قبضه یهود است، و اردوگاه های شرق و غرب، برای فروش سلاحهای خود به رقابت پرداخته و در صدد آتش افروزی در میان کشورهای جهان سوم بالأخص کشورهای اسلامی می باشند. آیا در چنین شرایطی وحدت کلمه و همکاری در میان یک میلیارد و اندی مسلمان، لازم و ضروری نیست؟ همگان دیدیم که هنوز آثار ویرانگر جنگ تحمیلی عراق و ایران مرمت نشده بود که حمله عراق به کویت آغاز گردید و در نتیجه نوزده کشور و در رأس آنها آمریکای جهانخوار، برای حفظ منافع خود به حرکت درآمدند و تجاوز را مهار کرده و به حضور خود در منطقه مشروعیت بخشیدند.

غرب، وجود یک حکومت اسلامی فراگیر چون «عثمانی» را تحمل نکرد، و با دست خود مسلمانان آن را واژگون ساخت. در ترکیه اید[] «پان ترکیسم» و در کشورهای عرب «پان عربیسم» را احیا کرد. سرانجام امپراتوری بزرگ اسلامی فرو پاشید و به صورت دولت های کوچکی درآمد که احیاناً قدرت دفاع از خود را ندارند.

بیش از دو قرن است که ثروت مسلمین و نفایس ملی آنان به وسیله یغماگران خارجی غارت و تاراج می شود و برای تحقیق هر موضوعی باید به کشورهای خارجی سرزد و نفایس را در آنجا جستجو نمود.

در چنین جهانی شخصیتهای دلسوز و آگاه در پرتو تعالیم قرآن که می فرماید: واعتصموا بحبل الله جميعا ، به پا خاسته و جهان اسلام و مسلمانان را به وحدت کلمه و تعاون و همکاری دعوت نموده و می خواهند روح برادری و برابری و سماحت و گذشت را زنده کنند.

از روزی که اسلام به صورت حکومت و دولت در آمد و می رفت منطقه را فرا گیرد، و جزیره العرب را از لوٹ وجود یهود پاک سازد، شبکه جاسوسی یهود کوشش کرد تا وحدت کلمه و اتحاد آنان را به هم زند.

یک پیر سیاستمدار یهودی به نام «شاس» از انسجام جوانان اوس و خزرخ سخت ناراحت شد و در فکر افتاد آتش جنگ را در میان آنان شعله ور سازد. پس به یک جوان یهودی آموزش داد که به میان آنان برود و ایام و حوادث تلخبار جنگ «بُعَاث» را یادآوری کند که چگونه جنگجویان این دو قبیله آشیانه های یکدیگر را آتش می زدند و کودکان همدیگر را بر سر نیزه می کردند.

جوان یهودی تعلیم دیده، در یکی از روزها به بزم جوانان اوس و خزرج راه یافت و با طرافت خاصی از جنگ بُعاتِ خاطراتی نقل کرد. جنگی که در آن پیروزی از آن اوس بود. این جوان یهودی نقش خود را آنچنان به خوبی ایفا کرد که جوانان ساده لوح اوس و خزرج، اسلام خود را فراموش کرده، تو گویی در عصر جاهلیت زندگی می کنند. دستها به قبضه شمشیر بردند تا خون یکدیگر را بریزند، وقتی پیامبر خدا(ص) از جریان آگاه شد، به میان آنان آمد و با صدای بلند فرمود:

«يا معشر المسلمين، إنا أبدوى الجاهلية وأنا بين أظهركم بعد أن هداكم إنا بالإسلام وأكرمكم و قطع عنكم أمر الجاهلية واستنقذكم من الكفر، ألف به بين قلوبكم».

«ای مسلمانان خدا را به خاطر بیاورید، خدا را متذکر شوید، آیا به اندیشه های دوران جاهلیت بازگشتید و من هنوز زنده ام و در میان شما هستم، در حالی که خدا، شما را به وسیله اسلام هدایت کرد و گرامی شمرد و رشته های عصر جاهلی را برید و شما را از کفر نجات داد و دلهای شما را به هم نزدیک کرد؟». (سیره ابن هشام، ج2، ص350) سخنان پیامبر بسان آبی بود که بر آتش شعله ور ریخته شد و همگان از نقشه شیطانی جوان یهودی آگاه شدند و گریه و زاری را سر دادند و همدیگر را در آغوش کشیدند.

در زمان رسول خدا (ص) یک شاس بیش نبود و اگر هم متعدد بود، در برابر آگاهی های پیامبر (ص) کاری از پیش نمی بردند. اینک نمونه دیگری نیز یادآور می شویم که با تدبیر حکیمانۀ پیامبر (ص) خنثی گردید:

نظیر این رویداد در جنگ «بنی المصطلق» پیش آمد. طرفین نزاع و درگیری را این بار، به جای اوس و خزرج، مهاجر و انصار تشکیل داده بود و بر سر کشیدن آب از چاه میان دو نفر از آنان جنگ و نزاع در

گرفت. هر کدام خویشاوندهای خود را به حمایت از خویش دعوت کرد. ناگهان دور چاه، مملو از مهاجر و انصار گردید و نزدیک بود که خونریزی در سرزمین دشمن رخ دهد. باز پیامبر به میان آنان آمد و فرمود: آنچه از دهان هر دو نفر درآمد، کلمه ای ناپاک و اندیشه ای جاهلی بود. خدا شماها را برادر یکدیگر قرار داده است. دعوتها باید به نفع تمام مسلمانان باشد نه به سود گروهی از شما، و به ضرر گروه دیگر. (مدرک پیشین، ج ۳، ص ۳۰۳)

از این نمونه ها در تاریخ اسلام فراوان دیده می شود، و همگی می رساند که نقطه قوت مسلمانان همان وحدت کلمه و اتفاقا نقطه آسیب پذیر آنان نیز همان است و دشمنان نیز از روز نخست آن را نشانه گرفته اند.

پس چه بهتر از تاریخ اسلام درس فرا گیریم نه تنها از گسترش اختلاف بهره‌ییم، بلکه در وحدت مسلمین و اتحاد آنان کوشش کنیم و از ثمره شیرین وحدت کلمه در دوجهان بهره مند شویم.

عناصر تقریب

مسلمانان جهان در اصول عقاید که محور ایمان و کفر است، وحدت نظر دارند. یعنی به خدای واحد، به روز معاد و نبوت پیامبر خاتم(ص) عقیده داشته و در برنامه عملی از شریعت واحدی پیروی می نمایند. اما چرا با این عناصر وحدت آفرین از هم جدا زندگی می کنند؟! و دست برادری به هم نمی دهند؟!

یکی از ابزارهای وحدت احترام به ثقلین است که همه مسلمانان در لزوم تکریم آن وحدت نظر دارند. قرآن و عترت دو مرجع مسلم در مسایل عقیدتی و احکام عملی است و هر دو به عنوان یادگارهای گرانبها به ما سپرده شده اند وکراره، رسول خدا(ص) فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب ا و عترتی» و هدف از عطف عترت بر قرآن معرفی مرجع مسلمانان پس از درگذشت خود می باشد. این اصل، یکی از مشترکات مسلمانان است که می تواند آنان را بر سر مائده هدایت های قرآن و علوم اهل بیت(ع) گرد هم بیاورد.

متأسفانه بر اثر تبلیغات غیر صحیح، اکثریت قابل ملاحظه ای از مسلمانان، از علوم اهل بیت بهره نگرفته و از این مائده آسمانی استفاده نمی کنند. در حالی که عترت او، به حکم آیه تطهیر از گناه و لغزش مصون بوده و طبعاً گفتار و کردار آنان حجت خواهد بود. چنان که می فرماید: «إنما یرید ا لیزهّب عنکم الرجس أھل البیت ویطهرکم تطهیرا».

مشاركت ميان فرق اسلامي بيش از آن است كه من شمردم، اميد است كه خداوند در سايه وحدت كلمه و تمسك به حبل الـ المتين به مسلمانان عزت و سرفرازي در دو جهان عطا فرمايد.

منبع: كتاب «در سرزمين خاطره ها» صص199-192

سخنراني آيت الـ جعفر سبحاني در مسجد «ملك عباد» اردن در 16/2/1377